

معتاد به مواد مخدر تزریقی هستیم و با این مشکلات روبه‌رو هستیم.

با من مثل یک مجرم رفتار می‌کنند
و برای همین به‌سختی به امکانات
بهداشتی دسترسی پیدا می‌کنم.

مددکاران بهداشتی به من
اعتماد ندارند، انگار فقط مواد
مخدر می‌خواهم.

وقتی جوان بودم، معتاد شدم
و حالا برای خرید مواد،
تن فروشی می‌کنم.

نمی‌شود داروی جایگزین مواد
مخدر پیدا کنم، چون فروش
آن‌ها غیر قانونی است.

نزدیک محل زندگی‌ام، مرکز
درمانی با خدمات مناسب
وجود ندارد.

پلیس بازداشت‌م می‌کند و اغلب
به زور پول یا آمیزش جنسی
می‌خواهند تا بگذارند بروم.

دل‌م یک شغل،
خانواده و کمی امنیت
می‌خواهد.

خانه‌ای دائمی برای
زندگی ندارم.

دل‌م می‌خواهد مواد مخدر را
رها کنم، اما نمی‌توانم جلوی
خودم را بگیرم.

بدون سرنگ و سوزن
تمیز، مجبورم از آنچه که
هست، به‌طور مشترک
استفاده کنم.

مجبور شدم آزمایش اعتیاد
بدهم و آخر سر به درمان
اجباری سپرده شدم.

